

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ فبروری ۲۰۲۳

آیا واقعاً تیره تر از سیاهی رنگی نیست!؟

(۳)

سه شنبه- ۰۲ حوت ۱۴۰۱- کابل:

و اما به ارتباط دیدگاه مبارزاتی باید نوشت:

"م. هـ" عزیز، تا جایی که از خودت شناخت دارم هر چند آدمی بوده ای که طول این ۳۵ سال نه تنها خود برای تغییر اوضاع مبارزه نکرده ای بلکه در حد امکان مانع تقابل دوستان و اعضای خانواده نیز با حاکمیت شده ای، دور نرویم نصایح برادرانه ات را که از من می خواستی تا "خار زیر پای شتر حاکمیت نگذارم" و اعتقاد راسخ به این که "شوله ات را بخور و پرده ات را بکن"، سرمشق تمام زندگی ات بوده است، با آنهم می بینی که امروز مبارزه ناخواسته درب منزل تو را نیز زده است و ناگزیری برای تغییر اوضاع تصمیم به مبارزه بگیری.

دوست عزیز، امیدوارم نظراتم را در این زمینه دال بر خودستایی ندانی و حد اقل آنها را با دقت بخوانی.

"م. هـ" عزیز، هرگاه خواسته باشی در وضعیت تغییری به وجود بیاوری، ناگزیری مبارزه نمائی و همان طوری که گفته اند برای این که شکست نخوری و به خطر نیفتی، در گام نخست می باید طرف های مبارزه ات و یا همان دشمنانت را خوب بشناسی.

دوست عزیز، هرچند امروز ظاهراً از جانب پولیس پاکستان شدیدترین عذاب ها را تحمل می نمائی، باید این نکته را بدانی که در اساس پولیس پاکستان نه تنها دشمنت نیست بلکه او خود نیز قربانی سیستمی است که هم تو را بدین روز انداخته و هم دست او را به یخن خودت انداخته است. این که پولیس پاکستان می خواهد تمام عقده هایش را بر تو و بقیه پناهجویان خالی و سرشکن کند، دلیل دارد، زیرا:

هرگاه درسهایی که در جریان تحصیل خوانده ایم درست بوده باشد و استادان ما حرف نادرستی نزده باشند، بر مبنای حقوق بین الدول، پناهجویانی مانند خودت که با پاسپورت رسمی از کشور خودتان بیرون شده اید و بر مبنای ویزای رسمی دولت پاکستان در آنجا زندگانی می نمائید نه تنها پناهجو به شمار نمی آید بلکه از لحاظ قانونی دفاع از تمام حقوق قونسولی شما وظیفه سفارت افغانستان می باشد.

یعنی از دیدگاه قانون هرگاه از هر جایی که باشد در یک کشور دیگر ظلمی بر شما صورت گیرد، مسؤلیت دفاع از شما وظیفه سفارت افغانستان است. این همانجاست که کار به مانع برخورد می نماید. یعنی در حالی که از دیدگاه قانون شما رسماً و قانونی در پاکستان به سر می برید مگر از لحاظ عملی و پشت پرده، شما با بیرون شدن تان از افغانستان

تحت سیطره طالب عملاً مخالفت تان را با آن نظام اعلام داشته اید، در نتیجه از دیدگاه سفارت افغانستان شما نه تنها مستحق حمایت در مقابل مظالم پولیس پاکستان نیستید بلکه چه بسا خود آنها در ایجاد چنین فضائی علیه شما در پشت پرده دست هم داشته باشند. یعنی شما همین اکنون هیچ نوع امیدی به حمایت سفارت افغانستان از حقوق حقه تان نمی توانید داشته باشید چه در آنجا همان دشمنی نشسته است که می خواهد سر بر تن هیچ یک از پناهجویان نباشد.

به نظر من در چنین حالتی یگانه مرجعی را که می باید به مثابه حافظ حقوق فردی خود وارد میدان کرد، ملل متحد و تمام اجزای آن می باشد. مشکل کار در جذب این حمایت آن است که شما و اکثر پناهجویانی که به صورت رسمی خود را به پاکستان و یا ایران رسانده اند، تقاضای های شان با این و یا آن سفارت، بی خبر و بی ارتباط با ملل متحد و زیر مجموعه های آن بر مبنای روابط شخصی مستقیماً از جانب خود فرد صورت می گیرد. مثال مشخص شما - مثلث دوست مقیم امریکا، سفارت امریکا در اسلام آباد و شخص خودتان- مسلم است که در چه چنین صورتی، برای سفارت امریکا که تا هنوز هیچ اهمیتی ندارید، دست دوست تان هم کوتاه است و شما می مانید و پولیس پر عقده، گرسنه، فاسد و آلوده پاکستان که قسم خورده زندگی اش را با پول رشوت بهبود ببخشد.

این که بگوئیم ملل متحد را باید وارد این کارزار کرد، یقیناً در حرف آسان به نظر می خورد در حالی که در عمل نمی تواند از عهده یک و یا دو فرد بیرون شود.

دوست عزیز، برای این که بتوانید ملل متحد و سازمان های مربوطه اش را وارد میدان نمایند می باید هر چه بیشتر در جهت تشکل و اتحاد با بقیه کسانی که زندگی شان به مانند شما در خطر و بحران قرار دارد متحد شوید و به جای یک و یا دو و یا ده نفر به یک باره چندین فامیل، وارد محوطه ملل متحد شده علناً و رسماً خواستار پناهندگی از آن نهاد بگردید. از آن جایی که نباید حرکت تان بدون سروصدا باقی ماند، از همان آغاز ورود به محوطه ملل متحد با زن و کودک و تمام فامیل، از طریق یکی بلند گو مواضع تان را به فارسی، پشتو، اردو و انگلیسی نیز اعلام کنید، حتماً اگر برایتان مقدور باشد به صورت کتبی نیز همین موضوع را به زبانهای فارسی، پشتو، اردو و انگلیسی تهیه و تقسیم نمائید. از مردم و از رسانه ها کمک بخواهید، مشت کلاشان نشسته در کاخ ها را باز کنید.

دوست عزیز، خودت که از زبان بقیه اعضای فامیل "بالا تر از سیاهی رنگی نیست" را دو سه بار تذکر دادی، آیا هیچ فکر کرده ای که قبل از تجربه با سایر رنگها، زود همه چیز را سیاه و تاریک دیده ای؟ به نظر من وقتی می پذیرید که "بالا تر از سیاهی رنگی نیست" چرا چنین حرکتی را تجربه نمی کنید؟ مگر دفتر ملل متحد در آن صورت چه کرده می تواند؟ آیا محافظان ملل متحد برخورد بدتر و دهشتناکتر از پولیس پاکستان و طالب از خود بروز خواهند داد؟ شما که پذیرفته اید "بالا تر از سیاهی رنگی نیست" از چه باید بترسید؟

دوست عزیز، من نمی دانم خودت و خانواده ات چه تصمیمی خواهید گرفت، مگر برایت قول می دهم هرگاه من در موقعیت خودت قرار می داشتم، اولین و آخرین دربی را که باز می کردم درب ملل متحد می بود، زیرا آنها بودند که موافقتنامه ننگین و ضد انسانی دوحه را نه تنها در شورای امنیت آن سازمان مورد تأیید قرار دادند بلکه حین انتقال قدرت دست در دست امپریالیسم امریکا و حاکمیت دست نشانده، وطنفروش و مزدورگذاشته، یک مشت از نوکران جنایتکارشان را بر مجموع ملت افغانستان حاکم ساختند.

شما با چنین کاری در عمل ثابت می سازید که از نظام ملاسالار و نمایندگی سیاسی اش عبور کرده اید و بعد از این ملل متحد می باید از حقوق انسانی تان تا ختم پروسه پناهجویی تان حمایت نماید. خودش برایتان ویزا بگیرند و کشوری را برای رفتن و اقامت شما پیدا کنند. در هر صورت چیزی برای از دست دادن ندارید چون پذیرفته اید که "بالا تر از سیاهی رنگی نیست". این که گفته اند "گرگ گرسنه خود را به دیده شیر می زند" صرف یک حرف نیست، بلکه بیان

یک واقعیت تلخ است. وقتی به صحبت هایت فکر می کنم، می بینم شما هم باید به مانند گرگ گرسنه خود را به دیده شیر بزیند زیرا چنان عملی شاید تنها راه پیروزی و نجات تان باشد.

ادامه دارد

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!